

عسل ۱۰ ساله بی صدا شکنجه می شد



البته جاهای دیگری از بدنش هم کبود شده بود.

هنگام بازسازی صحنه قتل ادعا کردی که همسرت «عسل» را کتک می زد؟
بله! او عسل را دوست نداشت طوری که وقتی من او را به قتل رساندم! یکی از بستگان نزدیک «محمد» در بیمارستان به او سیلی زدو گفت: آخر هم «عسل» را کشتی؟
از روزگار تلخ «عسل» در زمان اختلافات «محمد» با همسر سابقش هم اطلاعی داری؟
چرا «عسل» را به بهزیستی بردند؟
یک روز خانم معلم صورت کبود او را دیده و با بهزیستی تماس گرفته بود چون همسر یک سیلی به او زده بود!
برای یک سیلی که کودکی را از خانواده اش جدا نمی کنند؟

بله! من زیاد هم بد نبودم «عسل» مرا دوست داشت. او در نامه هایی که می نوشت از من به خوبی یاد می کرد. ولی همسایگان طبقه پایین منزلت از رفتارهای وحشتناک تو با «عسل» گلابه داشتند؟
آن ها با من مشکل دارند! چون کرایه منزل یک بار دیر شد!
یعنی همه افرادی که در حضور قاضی احمدی نژاد از رفتارهای هولناک تو سخن گفتند، دروغ می گویند؟ نمی دانم!
چرا «عسل» را به بهزیستی بردند؟
یک روز خانم معلم صورت کبود او را دیده و با بهزیستی تماس گرفته بود چون همسر یک سیلی به او زده بود!
برای یک سیلی که کودکی را از خانواده اش جدا نمی کنند؟

به خاطر آن همه زخم های هولناکی که در پیکر عسل بود او را نزد پزشک نبردید؟
نه! البته یک هفته قبل از این حادثه به همسرم گفتم او را نزد دکتر ببر! حتی شوهرانش هم تذکر دادند ولی دیگر این اتفاق افتاد...
زمانی که با ضربه یا «عسل» را می زدی چیزی نمی گفت؟
فقط التماس می کرد که بس است!
هنگامی که استخوان هایش را شکستی هم صدایش در نیامد؟ نه! آن روز به حالت نیم خیز روی زانویش بلند شد من کف پایم را از پشت سر روی پاهایش گذاشتم که زانویم روی مهره های کمرش بود وقتی سر و گردنش را به پشت سر کشیدم و رها کردم، سرش به شدت به کف اتاق افتاد ولی صدایش در نیامد!
الان چه حسی داری؟
پشیمانم! کایوس های وحشتناک رهپای نمی کند به طوری که هم بنای مایم در زندان مرا از خواب بیدار می کنند.

مرگ عسل ۱۰ ساله در مشهد
شب بیست و سوم خرداد بود که ماموران انتظامی در تماس با قاضی ویژه قتل عمد مشهد، از مرگ کودک ۱۰ ساله ای به نام «عسل» خبر دادند که آثار کودک آزاری بر پیشش نمایان بود. قاضی بعد با حضور قاضی علی اکبر احمدی نژاد در بیمارستان ۲۲ بهمن تحقیقات میدانی در این باره آغاز شد. بررسی ها نشان می داد، دخترچهارمذکور بارها مورد کتک کاری و کودک آزاری های وحشیانه قرار گرفته است بنابراین درحالی دستور دستگیری نامادری این کودک صادر شد که پزشکی قانونی علت مرگ وی را خون ریزی داخلی و شکستگی مهره های کمر اعلام کرد.
ادامه تحقیقات بیانگر آن بود که «عسل» توسط نامادری اش به قتل رسیده است. این مهم در بازجویی های تخصصی به قتل «عسل» اعتراف کرد و در بازسازی صحنه جنایت برخی از آثار کودک آزاری بر پیکر مقتول را قاضی احمدی نژاد و برای انجام بازجویی های تخصصی به دادسرا احضار شد.

گروه حوادث - خیلی دوست داشت در حضور کارآگاهان اداره جنایی و قاضی ویژه قتل عمد، اشک بریزد تا وانمود کند که از مرگ «عسل» کوچولو ناراحت است اما گویی اشک ها نیز ترند او را می دانستند و به همین خاطر از چشم هایش بیرون نمی آمدند!
این نامادری سنگدل درحالی دختر ۱۰ ساله همسرش را به طرز وحشتناک و کم سابقه ای به قتل رسانده بود که در طول سال ها حوادث نویسی جنایی چنین صحنه هولناکی را ندیده بودم! او بدون هیچ گونه استرسی، لحظه های شکنجه «عسل» را بازگو می کرد و در برخی موارد نیز همسرش را عامل کودک آزاری وحشیانه می دانست و ادعا داشت که پدر «عسل» او را داغ کرده است! با وجود این نامادری های زیادی در این سرزمین هستند که فرزند خوانده های خود را نیز مانند کودکان خودشان و حتی بیشتر دوست دارند و برای آرامش آن ها از همه لذت های دنیوی می گذرند تا ... آن چه می خوانید گفت و گوی با قاتل «عسل» است.

چند سال داری؟
۲۵ ساله هستم.
ساکن مشهد هستی؟
بله! در مشهد متولد شدم! ازدواج کردم و اکنون هم در مشهد زندگی می کنم.
مستاجر هستی؟
بله! در یکی از خیابان های بزرگراه شهید بابانظر مستاجر بودیم و در مورد منزل را تخلیه کنیم که این حادثه رخ داد.
پدرت هم ایرانی است؟
نه! او تبعه کشور عراق است ولی مادرم ایرانی است.
چند کلاس سواد داری؟
تا سیکل درس خواندم.
چرا ادامه ندادی؟
به خاطر این که شوهرم دادند و گرنه دوست داشتم درس بخوانم!
چرا از همسر سابقت طلاق گرفتی؟
معتاد و بدبهن بودایی مسئولیت بود! سواد من داشت و ... هفت سال با او زندگی کردم اما همیشه زجر کشیدم. با «محمد» (همسر فعلی) از قبل رابطه داشتی؟ نه!

ماجرای قتل مردی که خودش رازن معرفی کرده بود

عشق به سمانه را در آنجا فراموش کردم

رابطه کاملاً منطقی و علاقه ای باهم داشتیم و حتی به سمانه نیز با افتخار او اعتماد را کنار گذاشتم نبود و سمانه نیز با فرد دیگری ازدواج کرد و دنبال سرنوشت خودش رفت.
من در این وضعیت دومین شکست عشقی را تجربه کردم و چون احساس سرخوردگی می کردم به دام شهسین زن ۳۴ساله ای افتادم که به مواد مخدر اعتیاد داشت و ارتباط با این زن باعث شد دوباره به لجنزار اعتیاد فرو بروم. ما یک ماه با هم در خانه مجردی او رابطه داشتیم و من دیگر به سمانه فکر نمی کردم. یک روز به پیشنهاد این زن مبلغ ۲۰ میلیون تومان از مغازه پدرم سرقت کردم و می خواستم همراه او فرار کنم و به شهر دیگری بروم که با اعلام شکایت خانواده ام دستگیر شدم. فکر می کنم حساسیت و سختگیری های پدرم یکی از عوامل اصلی بدبختی هایی است که به سرم آمده است.

دختر عمویم صادقانه و بی ریا به خواستگاری ام جواب پله گفت و ما با هم نامزد شدیم. اما پدرم خودش را کنار کشید و دریغ از یک زیال حمایت مالی حتی پشتیبانی عاطفی و احساسی. او دو ماه بعد از مراسم عقد کتنامه ان دو الگوی طلا را که سر عقد به همسرم به وجود آورد و آن ها که تازه متوجه شده بودند به مواد مخدر اعتیاد دارم بی درنگ طلاق دخترشان را گرفتند. این موضوع اختلافاتی بین من و مرد جوان افزود. با این شکست من به شدت از نظر روحی و روانی آسیب دیدم و پدرم می گفت ما اشتباه کردیم به خواستگاری دختر عمویت رفتیم. باید با دختری ازدواج کنی که خانواده پولداری داشته باشد. او با این عقاید حاضر نشد به خواستگاری دختر دیگری که از طریق خاله ام با او آشنا شده ام.

چرا که می ورد بود و در تمام این مدت با مشخصات و عکس یک زن در صفحه اینستاگرام با همسرم طرح دوستی ریخته بود.
روز حادثه وقتی این مرد به مقابل خانه ما آمد همسرم بیرون رفت تا علت این رفتار او را بیبرسد که ناگهان وی شروع به سروصدا و آبروریزی کرد. من هم عصبانی شدم و جلوی در رفتم و با او درگیر شدم. در همین موقع او پا به فرار گذاشت من هم تعقیبش کردم تا گوشه ای تلفن همراهش را بگیرم و او را تحویل پلیس بدهم اما موقع فرار او مقابل یک مغازه چگرکی زمین خورد. صاحب مغازه که مرا می شناخت به طرف من آمد و یک جاقو به من داد تا از خودم دفاع کنم اما من یک ضربه به پا و یک ضربه به په بازشوی زدم اما ضربه ای که به پهلویش خورده کشنده بوده که من آن را نزدم و به همین خاطر هم می گویم که من قاتل نیستم.

در ادامه همسر این مرد در جایگاه ایستاد و گفت: این مرد با یک صفحه جعلی و مشخصات یک زن با من طرح دوستی ریخت و مادام هم با من دربار مسائل زنانه صحبت می کرد من هرگز تصورش را هم نمی کردم او مرد باشد. البته وقتی او را مقابل خانه مان دیدم بلافاصله شناختمش چون همسایه کوچی رو به روی ما بسود و من نمی دانم هدفش از چنین کاری چه بود؟ فقط بعد از مدتی که با هم در فضای مجازی حرف می زدیم ناگهان شروع به تهدید و احاذی کرد.
بدین ترتیب قضات شعبه هشتم دادگاه کیفری برای تصمیم گیری در این پرونده وارد شور شدند.



اگر برایم پول واریز کنی عکس های خصوصی ات را منتشر می کنم. بعد هم همسرم عکسی را که آن زن برایش فرستاده بود به من نشان داد. عکس همسرم کنار مادرش بود و لباس پوشیده ای هم بر تن داشت به همین خاطر به او گفتم نگران نباش این عکس مشکلی ندارد که با انتشارش کسی نخواهد از اتو اخاذی کند. مدتی که گذشت همسرم ناراحت و مضطرب به من گفت این زن ناشناس دست از تهدید من برنمی دارد و می گوید اگر برایش پول واریز نکنم مقابل در خانه می آید و ابرویم را می برد. من هم گفتم بگو باید بینم حرف حسابش چیست؟ بعد هم به تلفن او زنگ زدم اما از شنیدن صدایش بسیار متعجب شدم

در ابتدای جلسه صادر مقتول در حالی که برای قاتل پسرش درخواست قصاص داشت، گفت: من دو پسر داشتم که حالا هر دو را از دست داده ام و شوهرم نیز بعد از مرگ پسرم دق کرد و مرد. به همین خاطر من از قصاص منم چشم پوشی نمی کنم. همچنین دو خواهر مقتول نیز که بعد از مرگ پدرشان به عنوان اولیای دم برادرشان محسوب می شدند خواهان قصاص قاتل برادرشان شدند. سپس مهم در جایگاه ایستاد و در حالی که متکرار تکاپ قتل بود، گفت: این مرد برای همسرم مزاحمت ایجاد کرده بود، حدود دو سال قبل یک روز همسرم گفت زنی در اینستاگرام با او طرح دوستی ریخته و بعد از مدتی که با هم صمیمی شده اند ناگهان او پیام های تهدید آمیزی برایش فرستاده و گفته

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

یک مهندس عمران یا معماری (ترجیحا خانم)،

مسلط به فهرست بها و آشنا به شرایط عمومی پیمان و نرم افزارهای اتوکد، تدکار، اکسل ساکن جزیره کیش جهت کار در دفتر شرکت

فنی مهندسی نیازمندیم

حقیق و مزایا ۰/۰۰۰/۵/ تومان (قابل افزایش) به همراه بیمه و سرویس رفت و آمد و غذا و ... شماره تماس: ۰۹۱۲۴۴۳۳۶۶۱ ساعت تماس: ۱۹ الی ۲۰

نیازمندیهای اقتصاد کیش

۴۴۴۲۰۲۸۴ ۴۴۴۲۴۹۹۹

استخدام

به یک نفر کارمند خانم مسلط به امور اداری و

دفتری برای شیفت عصر نیازمندیم
۰۷۶۴۴۲۴۹۹۹

به نیروی خدماتی خانم/آقا با سواد

نیازمندیم ۴۴۴۲۰۲۸۳
ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

نیروی اداری خانم

آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپر مارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
ساعت کار: یک شیفت (۸ تا ۳ بعدازظهر)

نیازمندیهای اقتصاد کیش

۴۴۴۲۴۹۹۹ ۴۴۴۲۰۲۸۴

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام خدمات مفقودی خرید و فروش و ...

خدمات الکترونیک ضیائی

تعمیرات فوق تخصصی انواع تلویزیون های LED - LCD
و سیستم های صوتی و تصویری اتومبیل با ۱۵ سال سابقه و کاردی مجرب
آدرس: میدان پارس پاساژ طلوع غرفه ۱۰۳
شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۸۳۳۹۵
۰۷۶۴۴۴۷۸۰۰۳

فود فور کیش

سامانه آنلاین سفارش غذا
از رستورانهای جزیره کیش
وبسایت و اپلیکیشن
www.F4k.ir

تاسیسات ساختمان

آب-لوله کشی- کلی و جزئی
رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

حمل بار در سطح جزیره با شش چرخ

فقط با یک تلفن
باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵

تعمیرات برق ساختمان و نصب لوستر

فوری با یک تلفن
۰۹۱۰۳۹۶۸۰۳۵

نقاشی ساختمان

کلی و جزئی
باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵

نصب لوستر فوری

۰۹۳۴۷۵۷۵۰۸۶۷

تاسیسات برق ساختمان و نصب لوستر

فوری با یک تلفن
۰۹۱۰۳۹۶۸۰۳۵

نقاشی ساختمان

کلی و جزئی
بابایی ۰۹۳۴۷۶۹۴۳۱۸

نیازمندیهای اقتصاد کیش

۴۴۴۲۰۲۸۴ ۴۴۴۲۴۹۹۹

نیازمندیهای اقتصاد کیش

۴۴۴۲۰۲۸۴ ۴۴۴۲۴۹۹۹

خدمات

تاسیسات ساختمان

آب-برق- کلیه امور کلی و جزئی توانا
۰۹۱۷۹۴۹۰۸۳۱

شرکت چرتکه کیش

خدمات حسابداری، مالیاتی و آموزشی حسابداری و بورس
۰۷۶۴۴۴۶۷۰۲۵
CHORTEKHEKISH

شهروند گرامی کیش!

به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روز دهها آگهی در نیازمندیهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می شود.
از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهروندان می پردازد لذا مسئولیتی در باره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، باروش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.